

دکتر دیوید ای. دسیلوا، جلسه دوم پیتر و جود جلسه ششم

یهودا با ترسیم دو تضاد قوی بین مداخله‌گران و جماعت یا جماعت‌هایی که یهودا خطاب می‌کند، به درخواست خود ادامه می‌دهد. البته این تضادها، شکاف‌های بلاغی استراتژیکی را بین دو طرف ایجاد می‌کنند تا شنوندگان را بیشتر در مقابل تأیید، چه رسد به پذیرش، اقتدار و الگوی آن معلمان رقیب قرار دهند. ناسازگاری مخاطبان یهودا و مداخله‌گران به وضوح در دو جفت جمله موازی و متضاد ترسیم شده است.

در آیه ۱۶، این قوم. در آیه ۱۷، اما در مورد شما عزیزان. در آیه ۱۹، این قوم.

و دوباره در ۲۰، اما در مورد شما عزیزان. پاراگراف‌بندی در بسیاری از نسخه‌های انگلیسی از این نشانه‌های کلامی خود جود پیروی نمی‌کند، اما این نشانه‌ها غیرقابل انکار هستند. این افراد غرغرو هستند، در حالی که به دنبال خواسته‌های خود هستند، از سرنوشت خود ایراد می‌گیرند و دهانشان در حالی که به خاطر سود چاپلوسی می‌کنند، حرف‌های متکبرانه می‌زند.

اینکه یهودا دقیقاً فکر می‌کند این مزاحمان چه کاری انجام می‌دهند، هنوز مشخص نیست، اما غرغر کردن آنها قطعاً استراتژیک است زیرا این ویژگی نسل خروج بود، به ویژه در دو رویدادی که یهودا قبلاً به یاد آورده است. شورش دسته جمعی مردم در قادش برنیه در اعداد ۱۴ و بازی قدرت قورج و گروهش در اعداد ۱۶. یهودا می‌گوید که غرغرها علیه شرایط انسانی است، که مزاحمان شاید از آن به عنوان بهانه‌ای برای بهترین استفاده و بیشترین بهره را از زندگی در زمان حال می‌برند، زیرا سرنوشت ما کوتاه و غم‌انگیز است.

با این حال، یهودا با کنار هم قرار دادن هنرمندانه این دو، اشاره می‌کند که این تعهد این مزاحمان به ارضای انگیزه‌ها و آرزوهای خودشان است که مقصر بیماری‌های بشر است. آنها به جای اینکه به درمان خدادادی برای آن بیماری در تقدسی که مسیح و روح القدس به آن قدرت می‌دهند، متعهد شوند، همچنان به تقویت بیماری در ریشه بیماری ما ادامه می‌دهند. یهودا همچنین آنها را صرفاً نسخه‌های مسیحی‌شده‌ای از سوفیست‌ها و شارلاتان‌های مذهبی می‌داند که در بازار شهر برای جلب توجه هیاهو می‌کنند.

بنابراین این افراد در سخنان خود ادعاهای بزرگی برای خود و بینش معنوی خود مطرح می‌کنند، در حالی که از کسانی که امید به سود بردن از آنها دارند، تملق می‌گویند. سپس یهودا توجه خود را به مخاطبان خود و هشدارهایی که قبلاً در مورد چنین افرادی که اکنون با آنها روبرو می‌شوند، دریافت کرده بودند، معطوف می‌کند. در واقع، توصیف یهودا از مزاحمان به عنوان افرادی که به دنبال خواسته‌های خود می‌روند، محتوای هشدار رسولان علیه این افراد را که اکنون یهودا به یاد می‌آورد، پیش‌بینی می‌کند.

اما شما عزیزان، سخنان رسولان خداوند ما عیسی مسیح را که از پیش به شما گفته بودند، به یاد آورید، که چگونه به شما می‌گفتند در زمان آخر، مسخره‌کنندگانی خواهند آمد که از امیال بی‌خدای خود پیروی می‌کنند. بدین ترتیب یهودا علاوه بر کلام نبوی خنوخ، شاهد دیگری علیه مداخله‌گران می‌خواند، زیرا پیش از این بر اساس نمونه‌های تاریخی یا سوابق، استدلال‌های محکمی در مورد سرنوشت آنها ارائه کرده است. عبارت «بی‌خدا» در تصویر یهودا از هشدارهای رسولان، با زبان اول خنوخ ۱:۹ که در بالا در آیات ۱۴ و ۱۵ ذکر شد، طنین‌انداز است، جایی که دوباره کلمه بی‌خدا، سه بار ظاهر شده است، aseb کلمه.

روایت یهودا از این هشدار رسولی، کلمه به کلمه با هیچ متن رسولی شناخته شده دیگری مطابقت ندارد. این ممکن است یادآور آموزه‌های شفاهی آنها یا صرفاً تفسیری از هشدارهای شناخته شده و رایج علیه معلمان دروغین خودخواه باشد. خود عیسی نیز در متی ۷ و ۲۴ در مورد چنین افرادی که مطمئناً ظهور خواهند کرد، هشدار داده است.

در اعمال رسولان ۲۰، از پولس به عنوان کسی یاد می‌شود که بزرگان افسس را در میلوس به گوشه‌ای برده تا آنها را از گرگ‌های وحشی که برای غارت گله می‌آمدند، برحذر دارد و در واقع ادعا می‌کند که اغلب چنین هشدارهایی داده است. اول تیموتائوس و اول یوحنا نیز حاوی تذکرات مشابهی هستند. برچسب زدن به معلمان دروغین به عنوان مسخره‌کنندگان، به ویژه برای مزاحمانی که یهودا در پی تضعیف نفوذ آنهاست، کاملاً مناسب است.

در قلب مشکل، نگرش تحقیرآمیز آنها نسبت به ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین اعطا شده است و محدودیت‌هایی که پیروی از ایمان بر ارضای امیال و لذات شخصی تحمیل می‌کند، نهفته است. اما یهودا به مخاطبان خود یادآوری می‌کند که ایمان، مردم را به شیوه‌ای از زندگی سوق می‌دهد که نوید پی‌گناهی در پیشگاه خدا در جلال خدا را می‌دهد، نه ارضای هر انگیزه‌ای که مانع پی‌گناهی شود. تقابل دوم بر تفاوت تعیین‌کننده‌ای بین مداخله‌کنندگان و مخاطبان تمرکز دارد، تفاوتی که مداخله‌کنندگان را از اعمال هرگونه نفوذ مشروع بر پیروان مسیح سلب می‌کند.

این افراد، کسانی هستند که تفرقه ایجاد می‌کنند، افرادی دنیاپرست و عاری از روح. اما شما عزیزان، همچنان که خود را در ایمان بسیار مقدس خود بنا می‌کنید و در روح القدس دعا می‌کنید، خود را در عشق خدا نگه دارید و در انتظار رحمت پروردگار ما عیسی مسیح برای حیات جاودان باشید. یهودا تأکید می‌کند که این مزاحمان، صرف نظر از ادعاهایشان به تجربیات کاریزماتیک و مکاشفات تازه، رؤیاپردازی‌هایشان، همانطور که یهودا در آیه ۸ بیان کرد، در واقع فقط بر اساس هوش و غرایز طبیعی خود عمل می‌کنند.

است که در اینجا به عنوان «دنیوی‌اندیش» ترجمه شده است. یهودا پیش psychikoi این همان معنای کلمه یونانی از این در آیه ۱۰ به این موضوع اشاره کرده بود، جایی که یهودا هرگونه درک معنوی واقعی را از مداخله‌گران انکار کرد و اظهار داشت که اعمال و اولویت‌های آنها نشان می‌دهد که آنها در سطح هر حیوان دیگری عمل می‌کنند. با این حال، حضار به روح القدس موهبت یافته‌اند که در او باید به دعا ادامه دهند، که حضورش به آنها اطمینان می‌دهد، که باید در ایمانی که قبلاً دریافت کرده‌اند، ثابت قدم بمانند و اکنون توسط معلمانی که خودشان به جای روح توسط احساسات خود هدایت می‌شوند، تحت تأثیر قرار نگیرند.

مبارزه برای ایمان به معنای مقاومت منفی در برابر نفوذ کسانی است که ادعا می‌کنند خواهر یا برادر هستند، اما خود را تسلیم اقتدار شهادت رسولان به اهداف خدا برای کسانی که در مسیح هستند نکرده‌اند و بنابراین خود را متعهد به پیروی از روح القدس در جهت عمل بی‌عیب و نقص نکرده‌اند. مبارزه برای ایمان همچنین به معنای مثبت اجازه دادن به ایمان برای ریشه دواندن عمیق‌تر و ثمر دادن هرچه بیشتر میوه در زندگی خود و تسهیل همین امر در زندگی خواهران و برادران خود در مسیح است. این شامل حفظ جهت‌گیری بسیار خاص و مجموعه‌ای از اولویت‌ها، حفظ خود در عشق خدا و نگاه مشتاقانه به رحمت پروردگار ما عیسی مسیح است که منجر به زندگی ابدی می‌شود.

الزامات تقدس و تجربه عشق الهی در اینجا به هیچ وجه در تضاد با هم در نظر گرفته نمی‌شوند. دومی ما را به تحقق اولی فرا می‌خواند. گام برداشتن در اولی ما را در موقعیتی قرار می‌دهد که در دومی ادامه دهیم.

مداخله‌گران توجه خود را به ایجاد فضایی برای امیال و انگیزه‌های خود معطوف می‌کنند. مؤمنان واقعی توجه خود را به احترام به خدایی که آنها را به عشق خود فراخوانده است و زندگی با هدف یافتن رحمت، و بی‌عیب و نقص ایستادن در برابر خدا و مسیح خدا، همانطور که یهودا در آیه ۲۴ بیان می‌کند، معطوف می‌کنند. مبارزه برای ایمان همچنین شامل پذیرش مسئولیت ما در قبال پایداری خواهران و برادرانمان در ایمان، به ویژه در رابطه با عمل آنها است.

یهودا ادامه می‌دهد، بر کسانی که مردد هستند رحم کنید. برخی را نجات دهید و از آتش نجات دهید. بر برخی بدون غم و اندوه و بر برخی با ترس رحم کنید.

حتی از لباس‌هایی که به جسم آلوده شده‌اند، متنفرند. یهودا به شنوندگان خود مأموریت می‌دهد که هر یک، گویی همچون نرده‌ای برای دیگری عمل کند. خود را متعهد می‌کنند که یکدیگر را در مسیر درست نگه دارند.

او کسانی را که در مسیر پی‌گناهی سست شده‌اند، به برادران و خواهرانشان می‌سپارد تا آنها برای بازگرداندن آنها تلاش کنند. چنین وظیفه‌ای با حساسیت‌های مدرن ما که عمدتاً برای عدم دخالت و دخالت در زندگی دیگران، به ویژه در

مورد مسائل حساس مربوط به عمل به تعهدات مذهبی‌مان، آموزش دیده‌اند، مغایرت دارد. این امر با مفاهیم معاصر در مورد معنای قضاوت مغایرت دارد.

و این فصلی است که در آن، آیه‌ی «قضاوت مکن تا مورد قضاوت قرار نگیری» محبوب‌تر از آیه‌ی «خداوند جهان را چنان دوست داشت» شده است. اما یهودا در واقع پیروان مسیح را به قضاوت به معنای تشخیص زمانی که خواهر یا برادری از همسویی با بی‌گناهی که خداوند ما را به آن فرا می‌خواند، دور می‌شود، فرا می‌خواند. و این کار را با هدف بازگرداندن جایگاه امن آن خواهر یا برادر در مسیر حیات ابدی انجام می‌دهد.

مسیری که رحمت پروردگار ما عیسی مسیح را نوید می‌دهد. بدین ترتیب، یهودا به بسیاری از صداهای دیگر عهد جدید می‌پیوندد که به طور مشابه هر یک از ما را به مراقبت از یکدیگر متعهد می‌کنند. با اذعان به ضرورت تقویت جمعی یا اجتماعی ایمان و رفتار هر یک از اعضای بدن مسیح، اگر قرار است آن عضو در مسیر حیات ایمن بماند.

برای مثال، به یاد داریم که عیسی تعلیم داده است: «اگر برادر یا خواهرت گناهی مرتکب شد، برو و تقصیر او را بین خودت دو نفر به او گوشزد کن. اگر به حرف تو گوش دادند، آنها را متقاعد کرده‌ای. اما اگر گوش ندادند، یک یا دو نفر دیگر را با خود ببر تا هر موضوعی با شهادت دو یا سه شاهد ثابت شود.»

به همین ترتیب، پولس برادران و خواهران، اگر کسی در گناهی گرفتار شود، شما که به روح القدس پایبند هستید، باید آن شخص را به آرامی اصلاح کنید. اما مراقب خود باشید، وگرنه شما نیز ممکن است وسوسه شوید.

و همچنین یعقوب برادران و خواهران من، اگر کسی از شما از حقیقت منحرف شود و دیگری او را بازگرداند، بدانید که هر که گناهکاری را از گمراهی بازگرداند، روح گناهکار را از مرگ نجات می‌دهد و گناهان بی‌شماری را می‌پوشاند کاملاً ممکن است که یهودا نیز شنوندگان خود را وادار کند که چنین تأثیر خداپسندانه و رستگاری‌بخشی را بر خود مداخله‌کنندگان اعمال کنند.

زیرا یهودا در هیچ مقطعی آنها را به اخراج این معلمان ترغیب نمی‌کند، همانطور که پولس در چندین مورد انجام داده بود. یهودا صرفاً نگران این است که نفوذ فقط در یک جهت جریان یابد. و روشی که او مخاطبان خود را از خطر ناشی از عمل فرد مزاحم، در صورت مسری شدن آلودگی آنها، آگاه کرده است، آنها را در موقعیت مناسبی برای انجام این کار قرار داده است.

یهودا نامه کوتاه خود را نه با عناصر مرسوم یک نامه مانند برنامه‌های سفر، سلام و احوالپرسی با افراد خاص، سخنان آموزنده در هنگام خداحافظی، کلام پایانی خداحافظی یا آرزوی رحمت، بلکه با یک ستایش خوش‌ساخت یعنی جمله‌ای در ستایش و ستایش خداوند، به پایان می‌رساند. بدون شک این با پیش‌بینی یهودا در مورد زمینه‌ای که نامه‌اش در آن خوانده خواهد شد، مطابقت دارد.

جماعت برای پرستش و دعا گرد هم آمدند، شاید حتی برای یکی از همان ضیافت‌های محبت‌آمیزی که او در آیه ۱۲ به آن اشاره کرد. بر آن که قادر است شما را از لغزش بازدارد و شما را بی‌عیب و با شادی عظیم در برابر جلال خود بایستاند، بر خدای یگانه، نجات‌دهنده ما، به واسطه عیسی مسیح، پروردگار ما، جلال، شکوه، قدرت و اقتدار باد، از ازل تا ابد، و اکنون و تا ابد. آمین.

این مداخله‌گران با بی‌اعتنایی‌شان به مرجعیت سنت رسولی و حفاظت‌هایی که سنت پیرامون رفتار کسانی که به دنبال رحمت خدا هستند، قرار داده است، مانع بالقوه‌ای برای جماعت یا جماعت‌هایی هستند که یهودا به آنها خطاب می‌کند. آیا قرار بود آنها با کلام و سرمشق مداخله‌گر متقاعد شوند که جایی برای ارضای هوس‌های نفسانی که علیه روحشان می‌جنگند، باز کنند، به قول اول پطرس؟ اما یهودا با این اطمینان خاطر به پایان می‌رساند که خود خدا قادر است و تلویحاً می‌خواهد مؤمنان را از لغزش بازدارد، بلکه آنها را در حضور خدا بی‌عیب و نقص نگه می‌دارد تا وقتی در مقابل جلال خدا می‌ایستند، دلیلی برای شرمندگی نداشته باشند.

همچنان که آنها خود را از طریق وفاداری به ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین سپرده شده است، در عشق خدا نگه می‌دارند، کاملاً مطمئن هستند که خدا آنها را نیز حفظ خواهد کرد. یهودا در آیات ۱۶ تا ۲۵، مانند بقیه نامه کوتاه خود، مسئله جایگاه اقتدار، به ویژه اقتدار تعیین پارامترهای واکنش وفاداران به اعمال نجات‌بخش خدا در

مسیح را مطرح می‌کند. یهودا اصرار دارد که این اقتدار در تجربیات کاریزماتیک یا معنوی هیچ فرد یا گروهی در میان کلیساها قرار ندارد.

این [روش] مبتنی بر تجربه یا ارزیابی تازه‌ای از آنچه برای انسان‌های دارای جسم و خون معقول است، در عین حال که از لذت‌های این زندگی نیز بی‌بهره نمی‌مانند، نیست. این روش در تجربیات شخصی وحی ادعایی نیست، بلکه در سنت رایجی است که یک بار برای همیشه به مقدسین رسیده است. این روش مبتنی بر وحی خدا از طریق عیسی و شهادت حواریون است که خود با وحی عدالت خدا در متون مقدس یهود و سنت‌های فرائضی همخوان است.

اگر قرار است هر معلمی در کلیسا اقتدار داشته باشد، این اقتدار به نوبه خود از وفاداری آن معلم به ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین سپرده شده و با آن هماهنگ است، ناشی می‌شود. درک جمعی ما از آن ایمان می‌تواند عمیق‌تر شود. چگونگی همسو شدن با آن ایمان در زمینه‌های جدید ممکن است نیاز به تشخیص تازه‌ای داشته باشد.

اما مسیری که خداوند در اوایل قرن نوزدهم کلیسا را بر آن بنا کرده بود، و آموزه‌های رسولان، نمی‌تواند اجازه دهد که از تعهد به بی‌گناهی در برابر خداوند، به سمتی که خواسته‌های خودمان یا غرایز طبیعی صرف، همانطور که ترجمه می‌کند، ما را هدایت می‌کند، منحرف شود. بار دیگر، برخی از مسائل متنی مهم در Sukukoi در آیه ۱۹ به رابطه با این نامه کوتاه، به ویژه در آیات ۲۲ و ۲۳ یهودا، پدیدار می‌شوند. شاهدان متنی در مورد اینکه آیا باید دو یا سه عمل ترمیمی را به عنوان بندهای مستقل بشنومیم، اختلاف نظر دارند.

آنها همچنین در مورد ماهیت اقدام اول اختلاف نظر دارند. آیا این شامل رحم کردن یا محکوم کردن است؟ شاهدان موافق سه بند مستقل عبارتند از: قانون واتیکان، به برخی که شک دارند یا اختلاف نظر دارند رحم کنید، آنها را از آتش بیرون بکشید، به دیگران در ترس، نفرت و غیره رحم کنید. قانون اسکندریه نیز از سه بند مستقل طرفداری می‌کند، به برخی که شک دارند یا اختلاف نظر دارند محکوم کنید، دیگران را از آتش بیرون بکشید، به دیگران در ترس، نفرت و غیره رحم کنید.

و سپس مصحح قانون سینا در قرن دوازدهم می‌گوید: «به کسانی که شک دارند یا اختلاف نظر دارند رحم کنید، دیگران را از آتش نجات دهید، به کسانی که ترس، نفرت و غیره دارند رحم کنید.» شاهدانی که دو بند مستقل را که به اقدامات ترمیمی اشاره دارند ترجیح می‌دهند عبارتند از: پایروس ۷۲، یک پایروس قرن سوم یا چهارم، «بعضی‌ها را از آتش ربودید»، به کسانی که شک دارند یا اختلاف نظر دارند رحم کنید و بترسید، حتی از لباس متنفر باشید و غیره. و سپس قانون معروف به افرایم رسکریتی، یک قانون بازنویسی شده، قانونی که دو بار در قرن پنجم استفاده شده است، در آنجا می‌خوانیم: «به کسانی که شک دارند یا اختلاف نظر دارند، رحم کنید، دیگران را از آتش و ترس نجات دهید.»

می‌نویسد: رحم کن، جایگزین محکوم کن، به برخی که Codex Ephraim Rescripti و سپس یک قرن بعد، مصحح شک دارند یا اختلاف نظر دارند رحم کن، دیگران را که از ترس از آتش می‌ریزند نجات بده و غیره. سه نسخه خطی قرن نهم به طور مشابه دو عمل ترمیمی را ارائه می‌دهند: به برخی در حالی که احتمالاً با آنها اختلاف نظر دارند رحم کن، دیگران را در ترس نجات بده، آنها را از آتش بگیر، از آنها متنفر باش و غیره. توافقات اساسی واتیکان، اسکندریه و سینا معمولاً کفه ترازو را به نفع بازنمایی آنها از عبارت یهودا در برابر این قاعده که خوانش کوتاه‌تر عموماً ترجیح داده می‌شود، سنگین می‌کند زیرا کاتبان تمایل داشتند متن را گسترش دهند تا کوتاه‌تر کنند، مگر اینکه تصادفاً این کار را کرده باشند.

و برخلاف شهادت قدیمی‌ترین نسخه خطی ما، پایروس ۷۲. با این حال، این موضوع، مسئله مربوط به چستی آن که اساساً اعمال اول و سوم را با P72 عمل اول را حل نمی‌کند. در اینجا، شاهدان سینائی‌تیکوس، واتیکانوس و حتی هم ترکیب می‌کنند، نشان می‌دهند که یهودا در هر دو بند اول و سوم، بر رحم و شفقت تأکید کرده است.

خوانش اسکندریه را به عنوان یک بهبود سبکی برای حذف آن حشو و زوائد توضیح داد. بر اساس این ملاحظات بازسازی احتمالی این آیات به شکلی که در بالا خواندیم، چنین خواهد بود: به کسانی که مردد هستند رحم کن، برخی را نجات بده، آنها را از آتش نجات بده، به برخی با ترس رحم کن، حتی از لباس آلوده به جسم متنفر باش. این مثال مانند مطالعه دقیق ما از تنوع متنی در آیه ۵، همچنین شاهد پیچیدگی‌هایی است که اغلب، برای اکثر خوانندگان متون مقدس، در وظیفه نامرئی نقد متنی وجود دارد.

شاید شگفت‌آور باشد که اولین نشانه مبنی بر اینکه کتاب یهودا در کلیسای اولیه خوانده و استفاده می‌شد، در رساله دوم پطرس ظاهر می‌شود، نامه‌ای که گواهی بر گردش نامه‌های پولس در میان کلیساهای مسیحی نیز هست. رساله دوم پطرس برای پرداختن به چالش‌هایی نوشته شده است که توسط گروه نسبتاً متفاوتی از معلمان مطرح شده بود. به نظر می‌رسد نویسنده در محتوای رساله یهودا، تحریقاتی را نیز لحاظ می‌کند. آیات ۵ تا ۱۸ در نکوهش خود از این معلمان دیگر، با استفاده از بسیاری از همان ارجاعات و تصاویر عهد عتیق، و این موارد تقریباً به همان ترتیبی که در یهودا می‌بینیم، آمده است.

رساله دوم پطرس برای مخاطبانی نوشته شده است که حداقل نویسنده معتقد بود با سنت‌های یهودی فلسطینی که یهودا به آنها اشاره می‌کند، کمتر آشنا هستند یا پذیرای آنها نیستند، و بنابراین نویسنده رساله دوم پطرس در طول مسیر مطالبی را که ظاهراً از یهودا وام گرفته است، اصلاح می‌کند و به عنوان مثال، ارجاعات به رساله اول خونخ را با متون کتاب مقدس آشنا تر جایگزین می‌کند. استفاده از نامه یهودا در قرن دوم تا چهارم به عنوان مهماتی علیه معلمان جدید و نوآور که در میان جماعت‌ها ظهور می‌کردند، ادامه یافت. به عنوان مثال، کلمنت اسکندرانی از متن و بلاغت یهودا برای مبارزه با نفوذ گروهی به نام کارپوکراتیان، یک گروه عرفانی اوایل قرن سوم که در مصر دوران کلمنت فعال بودند، استفاده می‌کند.

مارتین لوتر، یهودا را خلاصه‌ای از رساله دوم پطرس با نام مستعار می‌دانست و بنابراین، اگرچه محتوای آن برگرفته از رساله‌های رسولی است، لوتر خود سند را رسولی نمی‌دانست و علاوه بر این، آن را زائد می‌دانست. از سوی دیگر جان کالوین برای متن آنقدر ارزش قائل بود که تفسیری بر آن نوشت. نویسندگان قرن نوزدهم در انتقاد از متن به عنوان نمونه‌ای از تفکر پسا رسولی، که در مقایسه با تفکر خلاق‌تر و نوآورانه‌تر پولس یا یوحنا، در سطح پایین‌تری قرار دارد، حتی صریح‌تر شدند.

قطعاً فضای اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم نیز برای پذیرش یهودا با دیدگاهش مبنی بر مسیری نسبتاً مستقیم و باریک برای یافتن رحمت در روز داوری، و عدم تحملش نسبت به صدها و اعمال جایگزین معلمانی که آن را محکوم می‌کند، مساعد نبوده است. یهودا بلافاصله از اقتدار کلیسایی در کلیسا برخوردار نشد. در حالی که اورینگن اقتدار نامه را پذیرفت، از قبل از بحث‌هایی در مورد این سوال در اوایل قرن سوم آگاه بود.

نسخه‌های اولیه عهد جدید سریانی، پشیتا، کتاب یهودا را حذف کرده‌اند، اگرچه در قرن ششم میلادی در آن گنجانده شده است. با این حال، آتاناسیوس، اسقف اسکندریه، در نامه معروف عید پاک خود در سال ۳۶۷ میلادی، یهودا را در فهرست نوشته‌های رسمی خود قرار داد. این واقعیت که یهودا آیه‌ای از کتاب اول خونخ را به عنوان متنی معتبر ذکر کرده است، عامل مهمی در این بحث بود.

این امر مانع از استفاده نویسنده دوم پطرس از متن نشد، اما او آن را از تمام ارجاعات به اول خونخ پاک کرد، شاید صرفاً به دلیل ابهام آن برای مخاطبانش، اما شاید هم به دلیل بی‌زاری از چنین ارجاعات خارج از کتاب مقدس. جروم پدر کلیسا در قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم، از بخش‌هایی از کلیسا خبر داشت که مرجعیت قانونی یهودا را، به ویژه بر اساس ...، انکار می‌کردند. از متنی غیرمعارف استفاده می‌کند. بید محترم ماهیت مشکل‌ساز نقل قول یهودا از کتاب اول خونخ را مورد بحث قرار داد و آن را کتابی دانست که حاوی نقل قول‌های باورنکردنی درباره غول‌هایی است که به جای انسان‌ها، فرشتگان را به عنوان پدر خود داشته‌اند و این مطالب آشکارا دروغ هستند.

اگرچه خود بید با اشاره به اینکه آیه خاصی از رساله اول خونخ که یهودا نقل کرده است، هیچ چیز قابل اعتراض یا مغایر با ایمان رسولی ندارد، از اعتبار یهودا دفاع کرد، اما برخی از بخش‌های کلیسای اولیه، کاملاً برعکس، ارزش رساله اول خونخ را ارتقا دادند و نقل قول یهودا از رساله اول خونخ را تأیید ارزش و حتی اعتبار شرعی رساله اول خونخ دانستند. ترتولیان، پدر کلیسا در قرن سوم، در این جنبه قرار گرفت.

کلیسای ارتدکس اتیوپی در این سنت پابرجا ماند و همچنان پابرجاست و نه تنها یهودا، بلکه اول خونخ را نیز به عنوان کتاب مقدس دریافت کرده است. به نظر من، حضور یهودا در کتاب مقدس عهد جدید ما یک موهبت است. این نامه کوتاه ابتدا به ما یادآوری می‌کند که فیض خدا مسیری دارد.

تطبیق دادن انجیل با خود قدیمی‌مان، یا همانطور که یهودا می‌گوید، تبدیل لطف خدایمان به خودخواهی ناپسند، به منزله‌ی رد کردن پروردگاران است، زیرا این رد کردن چیزی است که خدا، به لطف خدا، در پی تحقق آن در ما از طریق رستگاری‌مان در مسیح است. بلکه فیض خدا ما را به تطبیق خود قدیمی‌مان با انجیل هدایت می‌کند، تا ما را به سوی بی‌گناهی سوق دهد، و این مسیری نیست که ما جرأت کنیم برای ارضای خودمان از آن منحرف شویم. یهودا به ما ثبات عدالت خدا و داوری خدا در مورد هر آنچه ناحق است را یادآوری می‌کند.

خدای عیسی مسیح همچنان خدایی است که فرشتگان یاغی را محکوم کرد، سدوم و شهرهای خواهرش را به آتش سوزاند و نسل خروج را به سرگردانی در بیابان محکوم کرد تا زمانی که اعضای آن، که قدرت خدا را دیده بودند اما از اعتماد به آن امتناع ورزیدند، تا آخرین نفر بمیرند. او همیشه خدایی است که ما در او محبوب هستیم و در برابر عدالت او پاسخگو خواهیم بود. و یهودا تصویری مختصر از آنچه در مبارزه برای ایمان دخیل است، به ما ارائه می‌دهد.

این شامل ما می‌شود که روی تشویق متقابل سرمایه‌گذاری کنیم، از طریق دعا از حمایت روح القدس بهره‌مند شویم، و شجاعانه به کسانی که جایگاه معنوی‌شان متزلزل است، کمک کنیم و آنها را احیا کنیم.